



انطباق مسئولیت مدنی و عدالت اجتماعی: توجه به مولفه تقصیر عمدی

معصومه قادری^۱، دکتر محمدحسن جوادی^{۲*}، دکتر سیامک جعفرزاده^۲
۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
۲. گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
(تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۴، تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۳)

چکیده

زمینه: یکی از موضوعات اخلاقی اساسی که در حوزه مسئولیت مدنی مطرح می شود میزان انطباق مسئولیت مدنی و عدالت اجتماعی است و اینکه در حوزه مسئولیت مدنی بر اساس چه اصلی عدالت اجتماعی جاری می شود؟ در حوزه مسئولیت مدنی، هدف جبران خسارت و رفع ضرر از زیان دیده است و در حقوق ایران، تقصیر مبنای اصلی این نوع مسئولیت می باشد. از این رو، هدف از پژوهش حاضر میزان انطباق مسئولیت مدنی و عدالت اجتماعی است و اینکه آیا با تکیه بر عنصر تقصیر می توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

نتیجه گیری: همسو با تغییرات جامعه و ظهور ارزش های نو، حقوق مسئولیت مدنی نیز متحول می شود که دلیل آن ضرورت برقراری عدالت اجتماعی است. عدالت یکی از مفاهیم برجسته در حوزه فلسفه اخلاق است که در تمام دوران فلاسفه، سیاستمداران، حقوقدانان و سایر اندیشمندان راه های دستیابی به آن را در جامعه مورد کنکاش قرار داده اند. عدالت وابسته به زمان، مکان و دگرگونی روابط اجتماعی است و نخستین گام در تأمین عدالت اجتماعی ایجاد قانون صحیح است تا اینکه هر کس نسبت به حقوق خویش آگاهی داشته و به دستیابی به آنچه سزاوار است، امیدوار و مطمئن باشد. در حوزه مسئولیت مدنی یکی از راهکارها برای دستیابی به این عدالت استفاده از مفهوم تقصیر عمدی است. تقسیم بندی های گوناگونی توسط حقوقدانان برای تقصیر ایجاد گردیده است. تقصیر براساس عنصر معنوی به تقصیر عمدی و غیر عمدی، تقسیم می شود. تقصیر عمدی می تواند اساس آثار و احکامی در عمل قرار گیرد که هیچ ذوق سلیمی نمی تواند آن را انکار کند. از مهم ترین اثرات تقصیر عمدی، تأثیر بر رابطه سببیت می باشد. رابطه سببیت رکن اساسی و عنصر حیاتی مسئولیت مدنی است. یعنی باید بین ضرر وارده و تقصیر عرفا رابطه ای وجود داشته باشد، به نحویکه اگر آن تقصیر (فعل و ترک فعل) نمی بود، قطعاً ضرری حاصل نمی شد. در نهایت باید گفت نظریه تقصیر به تنهایی نمی تواند مبنای منحصر مسئولیت مدنی شمرده؛ زیرا گاهی عدالت ایجاب می کند که کسی متحمل ضرر شود که مقصر نبوده است بنابراین باید تقسیم مسئولیت بر اساس درجه تقصیر مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژگان: اخلاق، عدالت اجتماعی، مسئولیت مدنی، تقصیر عمدی، سببیت

سر آغاز

در حوزه مسئولیت مدنی^۱ یکی از موضوعات اخلاقی اساسی که مطرح می شود چگونگی ارتباط میان مسئولیت مدنی و عدالت اجتماعی^۲ است و اینکه در حوزه مسئولیت مدنی بر اساس چه اصلی عدالت اجتماعی جاری می شود؟

در حوزه مسئولیت مدنی، هدف جبران خسارت^۳ و رفع ضرر از زیان دیده است. همانطور که هر جرمی عناصری دارد، و با تحقق آن ارکان یا عناصر، مجازات به عنوان مسئولیت کیفری^۴، بر مجرم بار می شود، در حوزه مسئولیت مدنی نیز باید گفت هر فعل زیان باری که مسئولیت مدنی در پی دارد، لزوماً ارکان و عناصری دارد که با تحقق جمیع آن ارکان، مسئولیت مدنی به معنی لزوم جبران خسارت به وجود می آید.

پس ارکان مسئولیت مدنی عبارت است از مجموعه عناصری که قانون برای تحقق مسئولیت مدنی، لازم شمرده است. در حقوق ایران، تقصیر^۵ مبنای اصلی این نوع مسئولیت می باشد. در حوزه مسئولیت مدنی وجود رابطه علیت بین تقصیر و زیانهای وارد بر زیان دیده شرط حتمی و قطعی مسئولیت مدنی است (مستفاد از مواد ۳۲۸، ۳۲۵، ۶۶۶ قانون مدنی، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۷۹ و ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی پیشین)، تقصیر عمدی بر این رابطه تأثیرگذار است.

با توجه به آنچه گفته شد، هدف از پژوهش حاضر بررسی میزان انطباق مسئولیت مدنی و عدالت اجتماعی است و اینکه آیا با تکیه بر عنصر تقصیر می توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

نویسنده مسئول: نشانی الکترونیکی: mh.javadi@urmia.ac.ir

مفهوم عدالت اجتماعی

در میان ارزش‌های اخلاقی^۶ و اجتماعی مورد قبول همگان والاترین ارزش‌ها آزادی، برابری و عدالت دانسته می‌شوند. بی‌شک مقایسه‌ی این ارزش‌ها و انتخاب یکی از آنها به عنوان ارزش برتر از دشوارترین داوریهاست. ولی آنچه به یقین می‌توان گفت آن است که، آزادی گاهی خود حصار برای آزادی می‌گردد. بنابراین نیاز به دستیابی به برابری احساس می‌شود و انسان‌ها خواهان آن می‌گردند، تا از آزادی بکاهدند تا بتوانند به برابری دست یابند. در نتیجه برابری بر آزادی حکومت می‌کند. نکته اینجاست که برای دستیابی به برابری عدالت نیاز است بنابراین می‌توان گفت عدالت والاترین ارزش‌ها است (۱).

عدل در لغت به معنای راستی، درستی، دادگری، داد، نظیر، همتا، مثل و شاهد می‌آید. همچنین عدل به معانی دیگری از جمله میانه روی، مساوات، برابری، کار میانه و راست ایستادن نیز هست (۲). همچنین عدل به معنای حکم به حق نیز آمده است. عدل یعنی معادل، متعادل، حد وسط، ضد جور، و شایسته‌ی گواهی دادن یعنی عادل، داد دهنده، پیمانه، پاداش و در حکمت عملی، عدل مقابل ظلم است و به معنای احقاق حق و اخراج حق از باطل است و امر متوسط میان افراط و تفریط را نیز عدل گویند. (۱).

اخلاق، مسئولیت مدنی و عدالت اجتماعی

مسئولیت مدنی تا حدود زیادی از ریشه‌های اخلاقی برخوردار است و بر مسئولیت اخلاقی^۷ افراد در خصوص آسیب به دیگران اشاره دارد. در خصوص مسئولیت اخلاقی انسان در فلسفه اخلاق دو دیدگاه عمده وجود دارد:

از منظر دیدگاه اول انسان زمانی از نظر اخلاقی مسئول است که با توجه به رفتار، منش و ویژگی‌های شخصی اش استحقاق آن را داشته باشد. دیدگاه یاد شده گذشته نگر است و تنها موجوداتی را از نظر اخلاقی مسئول می‌داند که قدرت تصمیم‌گیری داشته باشند و خصلت و رفتارشان ارادی باشد. عملی ارادی است که دارای دو ویژگی باشد: اول آنکه به اختیار صورت گرفته باشد، دوم آنکه ناشی از اشتباه و جهل نباشد. چنین نگرشی در فلسفه اخلاق^۸ به اخلاق وظیفه‌گرا معروف است. از منظر دیدگاه دوم، انسان هنگامی از نظر اخلاقی مسئول شناخته می‌شود که چنین امری منجر به تغییر در وی یا رفتارش شود و بر این امر نتیجه‌ای مترتب باشد. این دیدگاه آینده‌نگر است و همواره این پرسش را طرح می‌کند که سرزنش انسان در آینده چه فایده‌ای دارد؟

بخش عمده‌ای از نظریات مسئولیت مدنی از این دو دیدگاه الهام گرفته شده است. عده‌ای گذشته‌نگر بوده و وارد کننده زیان را به دلیل این که در گذشته رفتار ناشایست و زیان باری را مرتکب شده است مسئول می‌دانند و زیان‌دیده را هم به این دلیل که حقوق و منافع اخلاقی وی نقض شده است، مستحق جبران خسارت می‌دانند. اما عده‌ای دیگر به آینده می‌نگرند و معتقدند در مسئولیت مدنی مسئله استحقاق مطرح نمی‌باشد، بلکه علت وجودی مسئولیت مدنی را باید در پیامدهای آن

برای جامعه و بر آورده ساختن اهداف مطلوب و کار آمد از پیش تعیین شده جست و جو کرد. لذا در صورتی که چنین پیامدهایی نداشته باشد باید برچیده شود (۳).

اما در این بین یکی از موضوعات اخلاقی اساسی که در حوزه مسئولیت مدنی مطرح می‌شود میزان انطباق مسئولیت مدنی و عدالت اجتماعی است. با بررسی مفهوم مسئولیت مدنی در پارادایم فلسفی عدالت اجتماعی، نقش مسئولیت مدنی را تنها به تنظیم روابط خصوصی زیان‌دیده و عامل زیان منحصر نکرده و آن را به وسیله‌ای برای اهداف اخلاقی، اجتماعی و حتی سیاسی تبدیل می‌نماییم. بر این اساس مسئولیت مدنی در راستای برقراری عدالت اجتماعی با سایر نهادها، سازکارها و ابزارهای اجتماعی، حرکتی سمپاتیک دارد و به یک ابزار برای دستیابی به عدالت تبدیل می‌شود (۴ و ۵)

مفهوم تقصیر

معنی لغوی تقصیر: تقصیر مصدر عربی از باب تفعیل است از ریشه قصر یقصر که در عربی با «ات» و در فارسی با «ها» جمع بسته می‌شود و معمولاً با پسوندهای کردن، افتادن، بستن، رفتن و آمدن همراه شده و معانی مختلفی را بیان می‌کند (۶). در زبان خارجی برای بیان معنی تقصیر از واژه‌های مختلفی استفاده می‌شود. در زبان فرانسه از واژه‌هایی چون: La Faute (تقصیر)، Culpabilité (تقصیر عمدی)، که یک نوع جرم مدنی^۹ است و در مقابل شبه جرم مدنی^۴ استعمال می‌شود، به کار می‌رود. به تقصیر با فعل Faute par Commission و تقصیر با ترک فعل Faute par omission گفته می‌شود (۶). البته در نظام حقوقی کامن‌لا از واژه‌های دیگر در انواع مصادیق تقصیر استفاده شده است از جمله: Omission, Act, Negligence, Misfeasance, Recklessness, و (۷).

معانی فقهی تقصیر: در فقه اسلامی فقیهان تعریف مشخصی از تقصیر ارائه ننموده‌اند و در عوض به ذکر مصداق‌های آن با واژه‌هایی مانند تعدی، تفریط، عدم تحفظ و اهمال پرداخته‌اند. برای مثال گفته شده است: «تعدی به انجام فعلی گفته می‌شود که ترک آن لازم و ضروری است» و تفریط نقطه مقابل آن است یعنی «ترک نمودن فعلی که باید انجام شود» (۸). علی‌رغم ادعای برخی که تقصیر در فقه امامیه به عنوان مبنای مهم مسئولیت به کار رفته است و ضابطه آن نوعی است (۹)، برخی دیگر بیان نموده‌اند که: «تقصیر نوعی اگر مصحح انتساب باشد از نظر فقهی قابل توجه است؛ چون حسب آنچه استاد فقه ما مرحوم آیت الله فاضل بارها تأکید فرمودند، ضمان قهری اصولاً در فقه مبتنی بر تقصیر نیست» (۱۰). البته این نظر در جایی که مستند ضمان اتلاف باشد صحیح است زیرا اتلاف مبتنی بر مسؤولیت محض می‌باشد تا تقصیر. اما در اتلاف نیز رابطه مستقیم عرفی با تلف شدن مال را لازم دانسته‌اند به خصوص آنکه قیمت مال براساس رغبت نوعی



آنگونه که پیش آمده است، خواسته باشد بلکه کافی است که صرفاً هدف از آن، تأمین منفعت شخصی باشد» (۱۵). حتی برخی از این امر نیز فراتر رفته اند و در زمینه قراردادهای علم به ورود ضرر را برابر با قصد ایجاد ضرر دانسته اند (۱۶). در زمینه مسئولیت قراردادی برخی از حقوقدانان فرانسوی اشاره کرده اند که در مفهوم عمد نباید قصد نتیجه را داخل کرد و عمد صرفاً آگاهی کامل در خودداری از انجام تعهد است هر چند که متعهد، تحقق نتایج نقض تعهد را نخواسته باشد (۱۷)، یعنی تقصیر عمدی در قرارداد به سادگی به معنای عدم اجرای تعهدات قراردادی یا تأخیر در اجرای آن است. عده ای با بیان این مطلب که در این مفهوم نیز مدیونی که آزادانه و آگاهانه از اجرای تعهد خویش یا اجرای درست آن سرباز می زند، تا حد زیادی ورود ضرر به طلبکار را پیش بینی می کند، معتقدند که با این مفهوم موسع از تقصیر عمدی دیگر نیازی به بیان مفهوم و مصادیق تقصیر سنگین نیست (۱۶).

تقصیر غیر عمدی: تقصیر غیر عمدی^{۱۰} یا شبه جرم عبارت است از عمل بدون مجوز قانونی که مرتکب در نتیجه بی احتیاطی انجام می دهد و از آن ضرری به دیگری می رسد (۱۲). همچنین گفته شده: «تقصیر غیر عمدی، تقصیری است که فاعل زیان نداند که بر فعل او ضرری برای غیر، مترتب خواهد بود» (۱۸). و عده ای نیز صرفاً به قصد شخصی قاصر در ورود زیان توجه نموده اند و در تبیین مفهوم تقصیر غیر عمد بیان نموده اند: موردیکه شخص خطر نامتعارفی را به دیگری تحمیل می کند که نتیجه آن ورود ضرر به دیگری است مرتکب تقصیر غیر عمد شده است در تقصیر غیر عمد که به آن قصور هم می گویند شخص قصد اضرار به دیگری را ندارد اما در نتیجه غفلت و بی احتیاطی سبب ورود ضرر به او می شود (۱۳).

در حقوق قدیم فرانسه بر اساس حقوق رم، در زمینه قراردادهای، تقصیر غیر عمدی را به سه گونه تقسیم می کردند: «تقصیر سنگین»، «تقصیر سبک» و «تقصیر بسیار سبک» (۱۹). امروزه در مواردی بین تقصیر سنگین و تقصیر سبک فرق می گذارند بعضی از این موارد مبتنی بر رویه قضایی و برخی ناشی از قانون است. در مورد شرط عدم مسئولیت یا تحدید مسؤولیت رویه قضایی این تفکیک را پذیرفته است (۲۰). در تعریف تقصیر سبک گفته شده است که: «تقصیر سبک تقصیری است که شخص با احتیاط متوسط مرتکب آن نمی شود» (۲۱). در حالی که تقصیر خیلی سبک: «تقصیری است که شخص بسیار محتاط و آگاه مرتکب آن نمی شود» (۲۱). در مورد تقصیر سنگین نیز تعاریفی به عمل آمده است از جمله: «تقصیر سنگین تقصیری است که مظهر عدم مهارت یا غفلت شدید در حدی شگفت می باشد. نه قصد اضرار هست نه خباثت، ولی آنچنان بی مبالائی وجود دارد که گویی کار عمداً انجام گرفته است»

تقصیر عمدی و رابطه سببیت

برای دستیابی به عدالت اجتماعی باید این مسئله را مورد نظر قرار داد که آیا عمد در فعل یا ترک فعل باعث قطع رابطه سببیت می شود و کلیه خسارت برعهده شخص عامد قرار می گردد؟

تعیین می شود (۱۰). در فقه امامیه تقصیر مبتنی بر مفهوم عرفی می باشد و این امر از لایه لای روایات و احادیث به خوبی پیداست.

تعاریف حقوقدانان ایرانی: گرایش عمومی در بین حقوقدانان ایرانی بر مفهوم عرفی و اجتماعی تقصیر می باشد. برخی اندیشمندان حوزه حقوق در این باره گفته اند: «به هرحال تقصیر یک مفهوم اخلاقی و اجتماعی است که مصادیق آن برحسب عرف و عادات و اخلاق اجتماعی و شرایط عمومی زندگی متفاوت است، جزئی از آن ناشی از روان شناسی فردی و رفتار و اراده فرد است و جزئی دیگر منبعث از جامعه شناسی و افکار عمومی محیطی است که فرد در آنجا عملی را انجام داده است». این محقق با الهام از ماده ۹۵۱ و ۹۵۲ قانون مدنی، تقصیر را چنین تعریف کرده اند: «تقصیر عبارت است از انجام عملی که شخص نمی بایست مرتکب شود (تعدی) یا ترک عملی که شخص می بایست انجام دهد (تفریط)» (۱۱). اندیشمند دیگری، نیز در تعریف تقصیر می گویند: «تقصیر عبارت است از وضعیتی اعتباری که در شخص در اثر ارتکاب عمل بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی یافت می شود. به شخصی که دارای چنین وضعیتی می باشد مقصر می گویند» (۱۲). به گفته برخی دیگر از حقوقدانان: «تقصیر تجاوز از رفتاری است که انسان متعارف در همان شرایط وقوع حادثه دارد. و برای تمیز تقصیر، باید کاری را که انجام شده است با رفتار انسانی عادی مقایسه کرد، منتها نه به طور نوعی، بلکه در شرایطی که حادثه رخ داده است. البته مقصود شرایط خارجی است نه داخلی» (۱۳). به علاوه گفته شده است که: «تقصیر عبارت است از تعدی و تفریط از رفتار انسانی متعارف در همان شرایط خارجی وقوع حادثه یا رفتاری که هرگاه یک شخص متعارف در شرایط حادثه قرار گیرد، مرتکب آن نمی شود» (۱۴).

انواع تقصیر

تقصیر عمدی: اعتقاد برخی بر این است که: «تقصیر عمدی^۹ یا جرم عبارت است از عمل بدون مجوز قانونی که مرتکب به منظور ایجاد ضرر به دیگری انجام می دهد و کافی نیست که مرتکب احتمال زیان را پیش بینی بکند، برای آنکه دادرس تشخیص عمدی بودن عمل ارتكابی را بدهد باید مرتکب را از نظر نفسانی مورد آزمایش قرار دهد و از اوضاع و احوال قضیه، انگیزه فاعل را در ارتکاب عمل به دست آورد» (۱۲). برخی نیز با توجه به قصد فعل و قصد نتیجه در تعریف تقصیر عمدی گفته اند که: «در تقصیر عمدی هم انجام فعل زیانبار از روی قصد انجام می گیرد و هم قصد نتیجه در اضرار وجود دارد البته گاهی این امکان وجود دارد که شخص بدون آنکه به نتایج عمل خویش بیاندیشد عمداً به انجام کاری مبادرت می ورزد» (۱۴). در حقوق فرانسه در خصوص تقصیر عمدی یا نیرنگ آمیز گفته شده است که: «تقصیر هنگامی که از روی قصد صورت گرفته باشد به آن تقصیر عمدی یا نیرنگ آمیز گفته می شود. البته بایستی دانست که قصد تقصیرآمیز، منحصر به قصد زیان رسانی نیست زیرا ضرورت ندارد که خسارت

رابطه سببیت^{۱۱} یک رابطه بیرونی و مادی است، که بین فعل، عامل زیان و زیان برقرار است؛ اگر تقصیر شخصی^{۱۲} به اثبات برسد، اما زیانی از ناحیه مقصر به دیگران وارد نیاید هیچ گونه مسؤولیتی متوجه او نیست چون در مسؤولیتهای مدنی هدف جبران زیانهای وارده است. اما در مسؤولیت کیفری صرف ارتکاب تقصیر مسؤولیتی را که قانونگذار پیش بینی کرده به دنبال خواهد داشت. قانونگذار لزوم برقراری رابطه سببیت بین تقصیر و زیانهای وارده را که از مواد یکم و دوم قانون مسؤولیت مدنی، مستفاد می گردد به عنوان قاعده کلی پذیرفته است در برخی موارد از این قاعده عدول کرده است و یک نوع مسؤولیت مطلق ایجاد کرده است این موارد غصب و شبه غصب می باشد.

در بیان نمره احراز تقصیر عمدی گفته شده است: «تحقق قصد اضرار در شخص مسؤول، در عمل زیانده را از اثبات ارکان دیگر معاف می کند و شک و تردید را درباره وجود رابطه سببیت بین تقصیر و ضرر از میان برمی دارد به طوری که فرض بر این می شود که فاعل، عمل عمدی را بدون حق انجام داده است بنابراین نیازی به اثبات وجود رابطه سببیت یاد شده نیست زیرا نفس ایذاء و اذیت یک امر غیرقانونی است» (۲۲). اگر منظور از این گفته این است که با اثبات رابطه سببیت بین عمد و ورود زیان، رابطه سببیتی بین ضرر و دیگر اسباب وجود نخواهد داشت و مسؤولیتی متوجه دیگر اسباب نمی شود: سخن حقی است که باید توضیح داده شود: در مسؤولیت مبتنی بر تقصیر که قاعده عمومی مسؤولیت^{۱۳} است (ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی) از میان عواملی که خسارت را به بار آورده است، به عواملی سبب گفته می شود و ضمان آور است که ناشی از عمد و بی مبالاتی باشد (۲۳). و هر جا که عمد در اضرار پا به میان نهد رابطه علیت بین خطا و ضرر را قطع می کند و زیان را تنها بر عمد تحمیل می نماید. بنابراین نظریه سبب مقدم در تأثیر نیز در فرض عمد یکی از اسباب کارآیی ندارد.

تقصیر گاهی برخی از اسباب را تقویت و برخی دیگر را تضعیف می کند و مسؤولیت را برعهده سببی مستقر می گرداند که مرتکب آن شده است. اگر شخص دارای تمیز سبب حادثه و صغیر غیرممیز یا دیوانه مباشر آن باشد، مسؤولیت متوجه شخص دارای تمیز است زیرا اتلاف و ضررها عرفاً مستند به عمل اوست در این موارد با اینکه بر طبق ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی شخص فاقد تمیز نیز مسؤول اعمال زیانبار خویش است اما ورود و دخالت شخص دارای تمیز و ترغیب یا تهدید و اجبار او عرفاً تقصیر محسوب می شود چون از حدود رفتار یک انسان متعارف تجاوز کرده است. پس نقش و اثر او در ایجاد خسارت قویتر از مباشر آن است. اما در خصوص عمد مباشر و سبب باید بیشتر توضیح داد: در اجتماع سبب و مباشر، اگر سبب قوی تر از مباشر باشد دیگر وجهی برای مقدم داشتن مباشر وجود ندارد و مباشر در صورتی قویتر از مسبب است که اتلاف به قصد اضرار و به اختیار انجام پذیرد و ضعف آن در صورتی است که یکی از این دو عامل نباشد یا به اذن شرعی انجام شود (۲۳). پس هرگاه مباشر در اثر اکراه و یا غرور مرتکب اتلاف شود، باید مسبب را ضامن شناخت. ظاهر ماده ۳۶۳ قانون مجازات سابق حاکی از آن بود که در فرض تساوی سبب و مباشر، همواره مباشر، مسؤول می

باشد در حالیکه بعضی از فقیهان (۲۲) شرکت آن دو را در ضمان ترجیح داده اند تردید اشتراک در ضمان جایی قوت می گیرد که هر دو (مباشر و مسبب) قصد اتلاف داشته باشند مثلاً یکی چاهی حفر نماید و دیگری انسانی را در آن بیندازد، در این فرض دشوار است که ادعا شود فعل مباشر، رابطه سببیت بین کار سبب و ورود ضرر را از میان برده و آنرا در زمره شرایط تأثیر سبب آورده است. اما قانون مجازات^{۱۴} اسلامی جدید در ماده ۵۲۶ در فرض اجتماع سبب و مباشر عاملی را ضامن می داند که جنایت مستند به اوست و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد همه را به طور مساوی مسؤول قرار می دهد.

این تردید اشتراک در ضمان در مورد نظریه سبب مقدم در تأثیر و در صورت قصد و عمد اسباب هم وجود دارد در این فرض با توجه به اینکه عرف، تلف را منسوب به عامدان می داند و به نظر بعضی از فقیهان (۸) نیز مرجع داوری عرف است و به ویژه با توجه به قسمت آخر ماده ۳۳۲ قانون مدنی که عبارت: «... به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد»، داوری را به عرف وامی گذارد، به نظر می رسد، مسؤولیت متوجه همه عامدان است (۲۳).

در در حقوق ایران هیچ نصی که صریحاً دلالت بر قطع رابطه سببیت در صورت تقصیر عمدی نماید وجود ندارد اما از مواد مختلفی که در قوانین گوناگون به خصوص قانون مجازات اسلامی وجود دارد می توان به این مهم در حقوق ایران دست یافت.

عمدی بودن یکی از تقصیرها (تقصیر خوانده): هرگاه تقصیر یکی از طرفین عمدی باشد و طرف دیگر مرتکب تقصیر غیرعمدی شده باشد، مرتکب تقصیر عمدی دارای مسؤولیت کامل می باشد، و به خاطر غیرعمدی بودن تقصیر طرف دیگر به او تخفیفی داده نمی شود زیرا عمدی بودن یکی از تقصیرها باعث قطع رابطه سببیت بین فعل خواهان و زیان می گردد. ماده ۳۳۵ قانون مدنی ایران در این راستا بیان نموده است که: «در صورت تصادم بین دو کشتی، دو قطار راه آهن یا دو اتومبیل یا امثال آنها مسؤولیت متوجه طرفی خواهد بود که تصادم در نتیجه عمد یا مسامحه او حاصل شده باشد و اگر طرفین تقصیر یا مسامحه کرده باشند هر دو مسؤول خواهند بود». بنابراین با استفاده از این حکم می توان گفت که در صورت عمدی بودن تقصیر خوانده، مسؤولیت به عهده وی است هر چند طرف دیگر ممکن است مرتکب تقصیر غیرعمدی شده باشد. نظیر این حکم درباره تصادم کشتی ها در ماده ۱۶۴ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳ نیز مقرر گردیده است. نکته دیگری که لازم به ذکر است این می باشد که منظور از عمدی بودن یکی از تقصیرها، تقصیر عمدی خوانده است و تقصیر خواهان (زیاننده) مد نظر نیست. چون تقصیر خواهان در فقه و حقوق موضوعه پاره ای از کشورها تحت عنوان تقصیر زیاننده بحث می گردد.

تقصیر زیاننده: یکی از مهمترین مباحث در زمینه نقش تقصیر عمدی در رابطه سببیت را می توان در مبحث تقصیر زیاننده^{۱۵} جستجو نمود. منظور از تقصیر زیاننده یا اقدام ضررآور زیاننده در اینجا، ایجاد یا تشدید زیان هایی است که زیاننده در آن به عنوان یکی از اسباب، قبل یا همزمان یا بعد از اسباب دیگر، سهیم است. بنابراین در مواردی



بنابراین خواننده ای که مرتکب تقصیر عمدی شده است، نمی تواند به این دفاع دست یابد» (۲۶). برخی نیز بر پایه انصاف بیان نموده اند که: «اگر شخصی قصد ورود ضرر به دیگری را داشته باشد، به نظر منصفانه نمی آید که به این شخص اجازه داده شود که به این دفاع استناد کند که زیان دیده مراقبت کافی را در جهت حمایت و حفاظت از خویش به عمل نیاورده است» (۲۷). در فرانسه دادگاه ها مسؤولیت را به نسبت درجه تقصیر تقسیم می کنند. در آلمان (ماده ۲۵۴ قانون مدنی ۱۹۰۰) نیز خسارات به نسبت درجه تقصیر تقسیم شده است. در آمریکا (برخی از ایالات ها نظیر کالیفرنیا، لوئیزیانا، نیومکزیکو و نیوجرسی) نیز این تقسیم بندی پذیرفته شده است.

در قانون ایران ماده ۱۶۲۵ قانون دریای مصوب ۱۳۴۳ تقسیم مسؤولیت براساس درجه تقصیر را پذیرفته است و مقرر داشته است: «اگر دو یا چند کشتی مرتکب خطا شوند، مسؤولیت هر یک از کشتی ها متناسب با اهمیت تقصیر است که از آن کشتی سر زده است معذک اگر تشخیص اهمیت تقصیر با شواهد و قرائن ممکن نباشد و با تقصیر طرفین به نظر یکسان برسد، طرفین به نسبت مساوی مسؤول خواهند بود...» البته برخی این حکم را ویژه خسارات دریایی دانسته اند (۶). در مسیر اتخاذ درجه تقصیر در تقسیم مسؤولیت موانعی نظیر منع قانونگذار وجود دارد که ممکن است قانونگذار به طور صریح یا ضمنی چنین درجه بندی را منع نموده باشد. البته مفسرین پیشنهاد نموده اند که دادگاه ها می توانند قوانین مربوط به تقصیر مشارکتی را تغییر داده و به لحاظ رویه قضایی قاعده درجه تقصیر را وضع نماید. نکته ای که شاید در تصمیم گیری پیرامون تقسیم مسؤولیت براساس درجه تقصیر از ذهن حقوقدانان دور مانده است، این است که اگر چه قابل سرزنش بودن مقصر عمدی می بایست بیشتر مورد نظر قرار گیرد اما فردی که مرتکب تقصیر غیرعمدی شده است نیز در حقیقت به شیوه ای قابل سرزنش رفتار نموده است و او نیز مرتکب نقض یک هنجار اجتماعی گردیده است. تفاوت میان فردی که به عمد مرتکب تقصیر می گردد و فردی که مرتکب تقصیر غیرعمدی شده است صرفاً در سطح آگاهی نسبت به این موضوع بوده است که رفتار مورد بحث یک هنجار اجتماعی را نقض خواهد نمود؛ یعنی در حالیکه مقصر عمد قطع به ورود زیان و نقض هنجار اجتماعی دارد مرتکب تقصیر غیر عمدی احتمال آن را می دهد (۲۸). بنابراین اختصاص دادن جبران تمامی زیان وارده به مرتکب تقصیر عمدی باعث نادیده گرفتن تقصیر غیرعمدی فرد دیگر می شود. مسؤولیت مدنی صرفاً دارای هدف جبران خسارت نمی باشد بلکه اهداف دیگری نظیر بازدارندگی را هم دنبال می نمایند. بنابراین چشم پوشیدن از تقصیر غیرعمدی در این میان به معنای تکرار سهل تر این گونه تقصیرات است و حقوق را هرچه بیشتر از اهداف عدالت جویانه خویش دور می نماید. به عنوان مثال در صورتی که به بیماری از فاصله نزدیک توسط یک عضو خانواده که نقشه قتل او را در ذهن داشته است شلیک شود، اگر پزشک در درمان بیمار مرتکب قصور شود نایستی تمامی بار جبران خسارت را برعهده مرتکب تقصیر عمدی نهاد بلکه در این صورت هیئت منصفه سهم عمده مسؤولیت را (به عنوان نمونه ۹۰٪) برعهده مقصر

که مسؤولیت براساس نظریه تقصیر می باشد، اقدام زیان دیده باید تقصیر باشد تا بتوان وی را یکی از اسباب ورود ضرر محسوب کرد (۲۴). در فقه اسلامی تقصیر عمدی زیان دیده باعث قطع رابطه سببیت و محروم ماندن او از دریافت خسارت می شود مثلاً گفته شده است: «هرگاه کسی پوست هندوانه یا هر چیز لغزنده دیگری را در خیابان بریزد و عابری در اثر گذشتن از روی آن بلغزد و صدمه ببیند، ضامن جبران خسارت زیان دیده است مگر اینکه زیان دیده عمداً پای خود را روی پوست گذاشته است و بلغزد که در این صورت، خود او مسؤول زیان وارده بر خود است و حق درخواست خسارت را ندارد» (۲۵).

این دیدگاه در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران نیز قابل پذیرش است. گرچه مثالهای مصادیق قاعده اقدام در فقه، زیان دیده را از دریافت هر نوع خسارتی محروم می کند، این بدین دلیل است که در این موارد، تقصیر یا اقدام زیان دیده علت اصلی و منحصر زیان وارده بوده است؛ بنابراین، اگر ثابت شود که زیان ایجاد شده به لحاظ قواعد سببیت، قابل انتساب به هر یک از زیان دیده و عامل زیان است، هر دوی آنها مسؤول خسارت وارده می باشند و به میزان مسؤولیت زیان دیده، از میزان عامل زیان کاسته می شود؛ به همین ترتیب، اگر ثابت شود که به رغم ارتکاب تقصیر از ناحیه زیان دیده، تقصیر عامل زیان علت اصلی و منحصر خسارت وارده است، او مسؤول جبران خسارت است و تقصیر زیان دیده تأثیری بر مسؤولیت او ندارد.

به طور کلی باید بیان نمود: در هر مورد که عمد در اضرار یا به میدان نهاد و دلیل توجیه کننده ای (مانند دفاع مشروع) برای آن نباشد، رابطه علیت بین خطا و ضرر را قطع می کند و زیان تنها بر عاقد تحمیل می شود چون او مباشر تلف است. به عبارت دیگر در دعوی جبران خسارت، عمد خوانده، با وجود تقصیر و غفلت زیان دیده، علت منحصر حادثه محسوب می شود چون عاقد از آن به عنوان وسیله، اضرار و تحقق هدف خود استفاده کرده است.

دستیابی به عدالت با تقسیم مسؤولیت براساس درجه تقصیر

سؤال مطرح این است که در صورت تعدد اسباب خواه همگی عمدی باشد یا بعضی عمدی و بقیه غیرعمدی برای دستیابی به عدالت اجتماعی تقسیم مسؤولیت بین اسباب گوناگون چگونه می بایست انجام شود؟ و آیا احکامی که در قانون مجازات اسلامی در این باره هست عادلانه می باشند یا خیر؟ یعنی عمدی بودن یکی از تقصیرها باعث قطع رابطه سببیت و برعهده گرفتن تمامی زیان و خسارت وارده توسط شخص عاقد می شود؟

از بررسی نصوص مختلفی که در این زمینه وجود دارد تشتت آراء حقوقدانان آشکارا است. مخالفان تقسیم مسؤولیت بر مبنای درجه تقصیر گاه ادعان کرده اند که تنها تکیه بر تقصیر نمی توان ضامن عدالت اجتماعی باشد. به ظن آنها «درجه تقصیر به طور کلی در ارتباط با تقصیر عمدی به منظور کاهش خسارت خواهان اعمال نمی شود.

اسلامی قابل استنباط است و هر جا که عمدی در کار باشد رابطه علیت بین خطا و ضرر قطع می شود و زبان تنها بر عاقد تحمیل می گردد، با وجود این تقسیم مسئولیت براساس درجه تقصیر به عدالت نزدیک است، به خصوص آنکه مرتکب تقصیر غیرعمدی هم باعث نقض هنجارهای اجتماعی و قوانین گشته است. با تحمیل خسارت بر فاعل تقصیر غیرعمدی، وی نمی تواند به آسانی تقصیرات غیرعمدی را مرتکب شود، در این صورت یکی از اهداف مسئولیت مدنی که بازدارندگی است، تحقق پیدا می کند. بنابراین به شکل خلاصه م توان گفت نظریه تقصیر به تنهایی نمی تواند مبنای منحصر مسئولیت مدنی شمرده؛ زیرا گاهی عدالت ایجاب می کند که کسی متحمل ضرر شود که مقصر نبوده است بنابراین باید تقسیم مسئولیت بر اساس درجه تقصیر مورد توجه قرار گیرد.

ملاحظه های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1. Civil liability	مسئولیت مدنی
2. Social justice	عدالت اجتماعی
3. Compensation	جبران خسارت
4. Criminal liability	مسئولیت کیفری
5. Fault	تقصیر
6. Ethical values	ارزشهای اخلاقی
7. Ethical responsibility	مسئولیت اخلاقی
8. Ethical philosophy	فلسفه اخلاقی
9. Intentional fault	تقصیر عمدی
10. Unintentional fault	تقصیر غیر عمدی
11. Causal relationship	رابطه سببیت
12. Personal fault	تقصیر شخصی
13. General Law of Liability	قانون عمومی مسئولیت
14. Punishment law	قانون مجازات
15. Damaged fault	تقصیر زیانده

References

1. Asghari M. (2005). Social justice. Hawzeh Thoughts; 55. (In Persian).
2. Ibn Manzour M. (1984). Arabic language. Qom: Literature Publishing of Hawzeh. (In Arabic).
3. Gholami M, Kalantari K, Goldozian I, Esmaeeli H. (2020). Islamic ethics and civil liability in compensating innocent prisoners: a comparative study of Iranian and American law. Ethics in Science and Technology; 15: 6-12. (In Persian).
4. Rahimi H, Taraf F. (2018). Investigating the characteristics of desirable justice in article 1 of the Iranian civil liability law in comparison with john

عمدی باقی می گذارد و پزشک نسبت به ۱۰٪ زیان مسؤول می باشد (۲۹). بنابراین احکامی که در زمینه رابطه سببیت و قطع آن به وسیله تقصیر عمدی و تحمل کلیه زیان وارده توسط مرتکب آن وجود دارد به علت نادیده گرفتن نقش تقصیر غیرعمدی ناعادلانه می باشد و لازم است مرتکب تقصیر غیرعمدی حتی به ناچیز به جبران خسارت محکوم شود. در نتیجه تقسیم براساس درجه تقصیر ارزش اخلاقی و اقتصادی بیشتری دارد و بیش از سایر راه حل ها ذهن را قانع می کند. حتی مفاد برخی از مواد قانون مجازات اسلامی به ویژه ماده ۳۶۵ که تقسیم را به تساوی پذیرفته نمی تواند مانع اعمال این نظر شود زیرا می توان گفت این مواد ناظر بر فرضی است که تقصیر اسباب درگیر، مساوی بوده است و در خصوص موردی که درجه تقصیر متفاوت است حکمی ندارد و در این موارد می توان تقسیم بر اساس درجه تقصیر را پذیرفت. شاید در نخستین نگاه چنین به نظر آید که تقصیر عمدی نیز می باید در کنار دیگر تقصیرها قرار گیرند اما به نظر می رسد به ویژه، با توجه به حکم استثنایی این ماده، اهمیت یک تقصیر با مقایسه اهمیت تقصیرهای دیگر سنجیده می شود و بر این سنجش هم محدودیتی و مرز شخصی نمی توان ترسیم کرد اما چنانچه تقصیر عمدی وجود داشته باشد، تغییر در اعمال این قاعده نمی توان قائل شد.

نتیجه گیری

همسو با تغییرات جامعه و ظهور ارزش های نو، حقوق مسئولیت مدنی نیز متحول می شود که دلیل آن ضرورت برقراری عدالت اجتماعی است. عدالت یکی از مفاهیم برجسته در حوزه فلسفه اخلاق است که در تمام دوران فلاسفه، سیاستمداران، حقوقدانان و سایر اندیشمندان راه های دستیابی به آن را در جامعه مورد کنکاش قرار داده اند. عدالت وابسته به زمان، مکان و دگرگونی روابط اجتماعی است و نخستین گام در تأمین عدالت اجتماعی ایجاد قانون صحیح است تا اینکه هر کس نسبت به حقوق خویش آگاهی داشته و به دستیابی به آنچه سزاوار است، امیدوار و مطمئن باشد. در حوزه مسئولیت مدنی یکی از راهکارها برای دستیابی به این عدالت استفاده از مفهوم تقصیر عمدی است. تقسیم بندی های گوناگونی توسط حقوقدانان برای تقصیر ایجاد گردیده است. تقصیر براساس عنصر معنوی به تقصیر عمدی و غیرعمدی، تقسیم می شود. تقصیر عمدی می تواند اساس آثار و احکامی در عمل قرار گیرد که هیچ ذوق سلیمی نمی تواند آن را انکار کند. از مهم ترین اثرات تقصیر عمدی، تأثیر بر رابطه سببیت می باشد. رابطه سببیت رکن اساسی و عنصر حیاتی مسئولیت مدنی است. یعنی باید بین ضرر وارده و تقصیر عرفا رابطه ای وجود داشته باشد، به نحویکه اگر آن تقصیر (فعل و ترک فعل) نمی بود، قطعا ضرری حاصل نمی شد. تقصیر و رابطه سببیت از عناصر مسئولیت مدنی می باشند. تقصیر گاهی باعث تقویت برخی از اسباب می شود و مسئولیت را متوجه طرفی می سازد که مرتکب آن شده است. و از انواع تقصیر، تقصیر عمدی در حقوق ایران باعث قطع رابطه سببیت می شود و این معنا از نمونه های مندرج در قانون مجازات



18. Jafari-Langeroudi H. (2008). Extensive in legal terminology. 2nd vol. Tehran: Ganje Danesh Publication. (In Persian) .
19. Safaee SH. (1996). Civil law and comparative law. 1st ed. Tehran: Mizan Publication. (In Persian).
20. Gholami M, Kalantari K, Goldouzian I, Esmaeeli H. (2020). Islamic ethics and civil liability in compensating innocent prisoners: a comparative study of Iranian and American law. Ethics in Science and Technology; 15: 6-12. (In Persian).
21. Safaee SH, Rahimi H. (2010). Civil liability (non-contractual requirements). 1st ed. Tehran: SAMT Publication. (In Persian).
22. Katozian N. (1995). Civil rights, non-contractual obligations. 4th ed. Tehran: Tehran University Publication. (In Persian).
23. Alipour Ghoshchi S. (2006). Comparison of the effects of intentional and unintentional fault in Iranian and American law. Journal of Comparative Law; 2: 253-289. (In Persian).
24. Darabpour M. (2008). Non-contractual responsibilities. 1st ed. Tehran: Majd Publication. (In Persian).
25. Helli J. (1991). The rules of rulings, contained in: Al-Yanabi Al-Fiqhiyyah Series. Beirut: Dar Al Eslamye Publication. (In Arabic).
26. Edwards LL, Edwards S. (2009). Tort law. 4th ed. UK: Pelmal Cengage Learning.
27. Cane P. (1997). The anatomy of tort law. 1st ed. London: Hart Publishing Oxford .
28. White III, Reginald R. (1996). Comparative responsibility sometimes the Louisiana approach to comparative apportionment and intentional torts . Available at: <https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/tulr70&div=56&id=&page=>. Accessed: 12 May 2018.
29. Bublik E. (2003). The end game of tort reform, comparative apportionment and intentional torte. UK: Norte Dame L. Rev.
- rawls' theory of distributive justice. Journal of Private Law; 7(25). (In Persian).
5. Mousavi Bojnordi M, Montazeri Z, Mousavi MS. (2020). Manifestation of the rule of “who owns you?” and position of ethics in civil law. Ethics in Science and Technology; 15 (1):1-7. (In Persian).
6. Ghasemzadeh SM. (2006). Fundamentals of civil liability. 5th ed. Tehran: Mizan Publication. (In Persian).
7. Badini H. (2005). Philosophy of civil liability. 1st ed. Tehran: Sahami Enteshar Publication. (In Persian).
8. Almaraghi Alhoseini A. (1297 AH). Titles. 60th ed. Tehran: Sangi Publication. (In Persian).
9. Mousavi SA. (2005). Civil liability arising from the ownership and maintenance of objects. Ahvaz: Ayat Publication. (In Persian).
10. Yasrebi SAM. (2009). Coercive guarantee with research in jurisprudence and laws of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Sahfi Publication. (In Persian).
11. Safaee SH. (1971). Introductory course in civil law. 1st ed. Tehran: Publications of the Higher Institute of Accounting. (In Persian).
12. Emami SH. (2004). Civil law. Tehran: Islamic Publication. (In Persian).
13. Katozian N. (2012). Non-contractual requirements. 11th ed. Tehran: Tehran University Publication. (In Persian).
14. Nasiri M. (2008). The role of fault in contractual liability. Journal of Dadgostar; 71: 3-10. (In Persian).
15. Jodern P. (2006). Principles of civil liability. Translated by; Adib M. Tehran: Mizan Publication. (In Persian).
16. Izanloo M. (2007). Restrictive and disclaimer terms in contracts. 2nd ed. Tehran: Sahami Enteshar Publication. (In Persian).
17. Shahidi M. (2010). Civil law. 4th ed. Tehran: Majd Publication. (In Persian).